



کلید واژه ها: شبیه سازی، همانند سازی، شخصیت،
زنتیک، حکون، مطهری، قرآن کریم.

بخش نخست این مقاله را در شماره ی قبل ملاحظه کردید که در آن اشاره به نظرات مخالفان شبیه سازی شده بود و اینک بخش پایانی که نظرات موافقان شبیه سازی را دربر دارد پیش روی شماست.

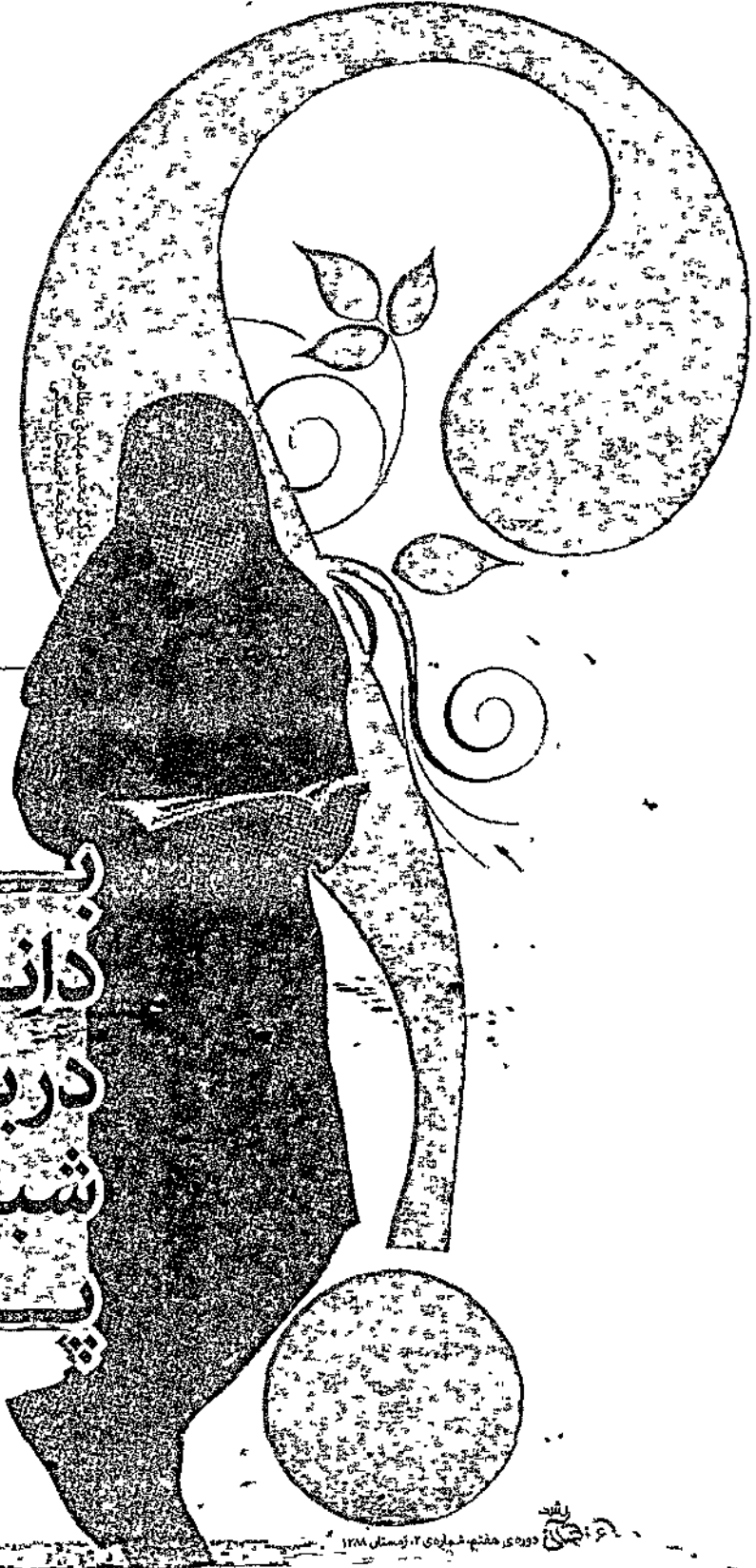
مستندات قرآنی و روایی موافقان شبیه سازی

استناد به اصل اباحه

برخی از فقها، در مواجهه با شبیه سازی که از امور مستحذنه است و حکم آن در شرع نیامده است، به «اصل اباحه» استناد کرده اند. اصلی که مقرر می دارد، اگر در باره ی حرمت فعلی شک کردیم و دلیلی از شرع بر ممنوع بودن آن وجود نداشته، برای رفع سرگردانی حکم می کنیم که ظاهراً آن عمل صحیح است. بنابراین، به مکلف اختیار می دهد که هر یک از فعل و یا ترک یکسان است. کسانی که قائل به اباحه اند، به آیاتی از این دست از قرآن استناد می کنند:

مستندات قرآنی و روایی در شبیه سازی انسانی (۲)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
دانش آموزان
درباره ی
شبیه سازی انسانی
پاسخ دهیم



یکی از
جدی ترین
دلایل علیه
شبیه سازی
انسان از طرف
متخالفان، نابودی
جنین های
ناخواسته
طی فرایند
شبیه سازی
است

به جواز شبیه سازی قائل باشند^۱
از نظر استاد حسن جواهری، این کار نه تنها به عنوان اولی
اشکال ندارد، بلکه ادعای حرمت آن خود عملی حرام است
یعنی کسی حق ندارد امری مشروع را حرام شمارد و بی دلیل به
حرمت آن فتوا دهد.^۲

۲. در ایستادگی جنین انسان هم ارزش انسان نیست

یکی از جدی ترین دلایل علیه شبیه سازی انسان از طرف
متخالفان، نابودی جنین های ناخواسته طی فرایند شبیه سازی
است. در این باره قرآن کریم در آیهی ۳۲ سورهی میانه
می فرماید: «من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض فکلتما
قتل الناس جميعاً» هر کسی اسانی را بدون ارتکاب قتل یا
فساد روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه ی انسان ها
را کشته است.

طی عملیات شبیه سازی، برای این که از نتیجه ی کار
اطمینان حاصل شود، به جای یک تخمک ممکن است چندین
تخمک بارور شود. اما پس از این که تخمک مورد نظر در رحم
کاشته و از سلامتی آن اطمینان حاصل شد، جنین های اضافی
نابود خواهند شد که این کار حرام تلقی می شود. زیرا در آن
سلول ها حیات و قابلیت انسان شدن وجود دارد. در سورهی
مبارکه ی مومنون، آیات ۱۲ تا ۱۴، مراحل پیدایش انسان و تطور
آن بیان شده است: «ولقد خلقنا الانسان من سلاله من طین ثم
جعلناه نطفه فی قرار مکین ثم خلقنا النطفه علقه فخلقنا العلقه
مضغه فخلقنا المضغه عظاماً فکسونا العظام لحماً ثم انشأناه خلقاً
آخر فتبارک الله احسن الخالقین.»

ضمیر در «انشأناه» به طوری که از سیاق برمی آید، به انسان
برمی گردد؛ در آن جایی که استخوان هایی پوشیده از گوشت بود.
چون او بوده که در مرحله ی اخیر، خلقتی دیگر شده است.
یعنی صرف ماده ای مرده و جاهل و عاجز، به موجودی زنده و
عالم و قادر تبدیل می شود.^۳ کلمه ی «نشأ» به طوری که راغب
می گوید، به معنای ایجاد چیزی و تربیت آن است. در این جمله
سیاق را از خلقت به انشا تغییر داده و این به خاطر آن بوده است
که دلالت کند بر این که آن چه به وجود آوردیم، حقیقت دیگری
بود، غیر از آن چه در مراحل قبلی وجود داشت.
پس بیان شده است که انسان دو حیات دارد. پس از طی

«قل من حرم زینة الله التي اخرج لعباده و الطيبات من
الرزق» [اعراف / ۳۲]. بگو چه کسی زینت های الهی را که برای
بندگان خود آفریده، و روزی های پاکیزه را حرام کرده است
«احل لكم الطيبات» [مائده / ۵] چیزهای پاکیزه برای شما
حلال شده است.

«خلق لكم ما فی الارض جميعاً» [بقره / ۲۹] همه ی آن چه
را در زمین وجود دارد، برای شما آفرید.
«قل لا تجد فی ما اوحی الی محرماً علی طاهر مطهراً الا
ان یکون مینه» [انعام / ۱۴۵].

بگو در آن چه بر من وحی شده، هیچ غذای حرام نمی یابم؛
به جز این که مردار باشد.

از مجموع این آیات، اصل اباحه در جایی که حکم نباشد،
قابل کشف است. افزون بر این، روایاتی نیز از معصومین (ع) نقل
شده اند که گواه اصل اباحه هستند؛ مانند این فرموده ی امام
صادق (علیه السلام): «کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی^۱ و
هم چنین فرمودند: «کل شیء هولک حلال حتی تعلم انه حرام
بعینه فدعه من قبل نفسک»^۲

نقد و بررسی

برخی از علما معتقدند، هرگونه پیشرفت علمی که موجب
ضرر و زیان به فرد و جامعه نشود، فی حد نفسه، جایز است
و اصل بر اباحه است، اما اگر خطر و ضررهایی برای دیگران
پیش آید و موجب تصرف در حقوق آن ها شود، حرام و غیرمجاز
است. البته ضررهایی جزئی که مورد اعتنا نیستند، سبب حرمت
نمی شوند. چنین عملی ممکن است ذاتاً اشکالی نداشته باشد و
تحقیقات علمی درباره ی آن جایز است.^۳

برخی دیگر بیان می کنند، از نظر اولی اصل اباحه است،
چون آیه و یا در روایات و اجماع و دلیل عقلی بر حرمت
شبیه سازی نداریم و از مسائل مستحدثه است.^۴ آیت الله
معرفت نه تنها شبیه سازی را بنا بر اصل اباحه مجاز می داند،
بلکه مدعی است: «در شیعه اصل بر جواز اجماع است» و در برابر
این پرسش که عملاً برخی از فقهای شیعه قائل به حرمت اند،
پاسخ می دهد که اجماع علی المبنی است. به این معنا که مبنای
شیعه آن است که تا نصی بر حرمت کاری در دست نباشد،
حکم بر جواز آن خواهد بود. در نتیجه منطقیاً عالمان شیعه باید

شبیبه‌سازی انسانی به دلیل آن که به کشتن تخمک‌های بارور شده‌ی اضافی می‌انجامد، اخلاقاً نادرست است. اما لقاح بیرون‌رحمی با این که همان نتیجه را در بر ندارد، اخلاقاً و شرعاً مشروع قلمداد می‌شود. اگر مسئله‌ی قتل جنین‌های اضافی است که در هر دو مورد وجود دارد، اگر هم تخمک قبل از لانه‌گزینی در رحم حرمتی ندارد این موضوع میان هر دو تکنیک مشترک است. این جاست که به نظر می‌رسد اهل سنت توجیهی برای مجاز شمردن لقاح بیرون‌رحمی و تحریم شبیبه‌سازی انسانی ندارند.

دلایل مربوط به حرمت و ممنوعیت سقط جنین قابل تسری به از بین بردن جنین در شبیبه‌سازی نیست، زیرا اولاً، سقط معنای عرفی دارد و عرف جنین اقلامی را سقط تلقی نمی‌کند. ثانیاً، نمی‌توان حکم سقط جنین و از بین بردن جنین را در خارج رحم یکی دانست. ثالثاً، «اصالة البرائة» که از اصول عملیه است، دلالت می‌کند بر این که اگر در حرمت امری شک داریم، حکم به عدم حرمت و اباحه دهیم.

۱۳ شبیبه‌سازی در مانی یا پژوهشی برای بشر مفید است

یکی از هدف‌های شبیبه‌سازی، همانندسازی پژوهشی انسان است؛ یعنی استفاده از جنین کلون‌شده برای پژوهش‌های طبی. در این روش به جای این که جنین را در رحم یک زن جای‌گزین کنند، جنین را به صورت بافت در ظروف آزمایشگاهی کشت می‌دهند. این روش تنها با هدف تولید بافت برای درمان و پیوند به کار می‌رود. به این ترتیب محققین می‌توانند بافت‌های مورد نیاز انسان‌ها را تولید کنند، به گونه‌ای که امکان پیوند آن ارگان‌ها به انسان‌ها به سهولت ممکن باشد.

۱۴ نقد و بررسی

از نظر علمی تفاوتی میان شبیبه‌سازی انسانی و درمانی وجود ندارد، زیرا در هر دو مورد از یک تکنیک استفاده می‌شود. تفاوت اساسی در هدف آن‌هاست. به این معنی که در شبیبه‌سازی درمانی پس از اجرای تکنیک و گرفتن سلول بنیادین، جنین به وجود آمده، از میان برده می‌شود. عالمان اهل سنت میان شبیبه‌سازی درمانی و انسانی تفاوت قائل می‌شوند و اولی را مجاز و دومی را حرام می‌دانند. اما بسیاری از مخالفان شبیبه‌سازی در غرب، از جمله کاتولیک‌ها، این تفاوت را نادرست و مبتنی بر سوءفهمی

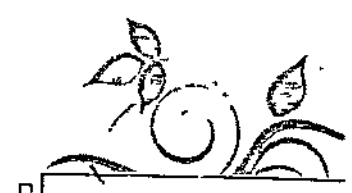
مراحل اولیه، خلق جدیدی اشیا می‌شود و حیات انسان آغاز می‌گردد. از آیات گوناگون قرآن کریم ناظر بر آفرینش انسان، از جمله آیه‌ی شریفه‌ی: «ثم جعلناه نطفة فی قرار مکین» استفاده می‌شود که اولین مرحله‌ی خلقت انسان زمانی است که به صورت نطفه در رحم استقرار می‌یابد. ذکر این نکته ضروری است که جنین کلون شده و جنینی که به کمک IVF به وجود می‌آید، هر چند بالقوه می‌تواند به انسان کامل تبدیل شود، ولی اگر جنین در محیط آزمایشگاهی باقی بماند، به بچه تبدیل نخواهد شد. ثانیاً، جنینی که از طریق مقاربت جنسی به وجود می‌آید، یا زنی که آن را حمل می‌کند، ارتباط فیزیکی مستقیمی دارد. در حالی که جنین آزمایشگاهی چنین ارتباطی را ندارد. سقط جنین در لغت به معنای افتادن جنین قبل از نمو کامل در رحم است.^۱

و معلوم نیست که ایجاد جنین نه با لقاح تخمک و اسپرم، بلکه با روش شبیبه‌سازی و از بین بردن آن قبل از آن که شروط حیات در آن کامل شود، حکم سقط جنین را داشته باشد و تحت شمول روایات ناظر بر پرداخت دیه قرار گیرد.^{۱۱} اگر این کار حرام بود، دور ریختن جنین آزمایشگاهی نیز حرام محسوب می‌شد. در حالی که به عقیده‌ی برخی فقها، دلیلی بر حرمت دور انداختن جنین خارج از رحم قبل از دمیده شدن روح وجود ندارد.^{۱۲} در روایات مدت حیات اولیه چهار ماه اعلام شده و پس از چهار ماه است که روح در جنین دمیده می‌شود و حیات انسانی آغاز می‌گردد.^{۱۳}

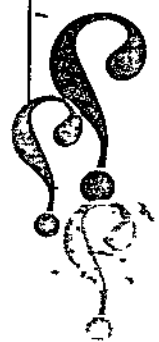
۱۵ نقد و بررسی

اگر از مسئله‌ی تشتت آرا در میان فقهای اهل سنت در مورد سقط جنین بگذریم، آن گاه لازم می‌آید تا به شخصیت انسانی جنین در همه‌ی موارد حکم داده شود و این گاری است که در مورد تخمک‌های بارور هدهی اضافی در لقاح بیرون‌رحمی صورت نگرفته است. در لقاح بیرون‌رحمی، برای اطمینان از نتیجه‌ی گار، به جای یک تخمک گاه تا ۴ تخمک بارور می‌شوند. آن گاه سه تا پنج تخمک در رحم کاشته و دیگر تخمک‌ها منجمد می‌شوند تا نتیجه‌ی بارداری معلوم شود.

اگر این بارداری موفق بود و تخمک‌ها به حیات طبیعی خود در رحم لگامه دادند، آن گاه از میان این تخمک‌ها تنها یکی انتخاب و بقیه نابود می‌شوند. بنابراین به نظر می‌رسد که این دو حالت تفاوتی ماهوی باهم ندارند. حال جای این پرسش است که چرا



یکی از هدف‌های شبیبه‌سازی، همانندسازی انسان پژوهشی است؛ یعنی استفاده از جنین کلون‌شده برای پژوهش‌های طبی





هر چه را که
خدا آفرید
نو است، پس
آفرینش خدا
شبیهِ چیزی
نیست، از
این نظر، هر
موجودی
آیت خدا
است

افراد را شامل نمی‌شود. نکته‌ی مهم آن است که امکان دارد، عوامل ارثی در ژنوتیپ فرد وجود داشته باشند که بدون تظاهر و آشکار شدن در فنوتیپ او به نسل بعدی منتقل شوند. پس ممکن است در پدیده‌ی شبیه‌سازی، با وجود ژنوتیپ یکسان بین اصل و فرع شبیه‌سازی شده، فنوتیپ آنان یکسان نباشد زیرا اولاً، بروز ژنوتیپ‌ها یکسان نیست، ثانیاً، اختلافات فنوتیپی می‌تواند تابع عوامل غیر ژنتیک یعنی عوامل محیطی باشد، حضرت امیرالمؤمنین (ع) در خطبه‌ی ۱۵ «نهج البلاغه» فرمودند: «آفرینش خدا روی مثال نیست.» همان طوری که خود خدا «لیس کمثلہ شی» است، آفرینش هم همین‌طور است. یعنی هر چه را که خدا آفرید نو است، پس آفرینش خدا شبیه چیزی نیست. از این نظر، هر موجودی آیت خدا است.^{۱۵}

سؤال اساسی این است که: «آیا کنون‌ها ظاهر و رفتار کاملاً یکسانی دارند؟» آیا شباهت ژنتیکی الزاماً باعث یکسانی هویت و شخصیت فرد کلون شده می‌شود؟ یکی از دشواری‌های این بحث از این واقعیت ناشی می‌شود که: «مهم‌ترین عامل ساختار یک فرد توارث است یا محیط؟»

دانشمندان این پرسش را نادرست می‌دانند و معتقدند: قرار دادن نقش توارث در مقابل نقش محیط، مانند این است که بپرسیم در تشکیل نمک طعام سدیم بیشتر اهمیت دارد یا کلر. آن‌ها این پرسش را چنین مطرح کرده‌اند: «هر یک از این دو عامل برای ایجاد یک ویژگی معین تا چه اندازه اهمیت دارند؟»

به منظور پاسخ به این پرسش، رشته‌های تخصصی به نام «ژمولولوژی» به‌وجود آمده است که روی دوقلوها مطالعه می‌کند و از آنان به‌عنوان متبع اولیه‌ی داده‌ها برای ارزیابی نقش دو عامل ارث و محیط استفاده می‌کند. هویت و شخصیت انسانی براساس عوامل متفاوتی شکل می‌گیرد که در این میان، ساختار ژنتیکی بخشی از این هویت محسوب می‌شود. لذا نمی‌توان هویت شخصی را منحصرأ به هویت ژنتیکی محدود کرد. این مطلب هم‌چنین در ماده‌ی سوم اعلامیه‌ی بین‌المللی داده‌های ژنتیک انسانی، به این شرح تصریح شده است: «هر فردی ساختار ژنتیکی مشخصی دارد. با وجود این، هویت شخصی نباید به خصوصیات ژنتیکی محدود شود. چرا که عوامل تربیتی، محیطی، فردی، عاطفی، اجتماعی، معنوی و فرهنگی در شکل‌گیری آن نقش دارند و اصل آزادی نیز در آن دخیل

عمیق می‌دانند. مهم‌ترین اشکال که مبنای مخالفت کلیسای کاتولیک محسوب می‌شود، این است که جنین در همین مراحل اولیه نیز یک انسان بالقوه است و از این نظر دارای شأن انسانی است و نمی‌توان آن را از بین برد.^{۱۶} اما به‌نظر می‌رسد از نظر فقه اسلامی، این نوع استفاده از همانندسازی اشکالی ندارد، زیرا همان‌طور که قبلاً بیان داشتیم، ادله‌ی ناظر بر حرمت سقط جنین، مربوط به مرحله‌ی پس از استقرار سلانه‌گزینی آن در رحم است. جنینی که هنوز در مرحله‌ی اولیه قرار دارد و به رحم مادر انتقال نیافته است، چه به روش «SCNT» (شبیه‌سازی) کلون شده باشد و چه به وسیله‌ی «IVF» به‌وجود آمده باشد، پیش از انتقال به رحم، هیچ‌یک از احکام شرعی بر آن مترتب نمی‌شود با عنایت به این که انتظار می‌رود این پژوهش‌ها به تحولات و پیشرفت‌های بسیار منتهی شوند، قابل تجویز به‌نظر می‌رسد.^{۱۷}

ابهامات در شبیه‌سازی انسان

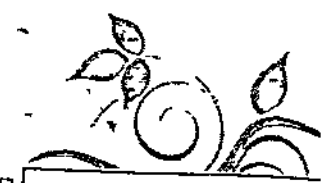
به‌کار بردن اصطلاح کلون یا شبیه، القای خاصی را در ذهن ایجاد می‌کند و ابهاماتی را به‌وجود می‌آورد. این واژه برای مواردی به‌کار می‌رود که یک شباهت صد درصدی بین دو نسخه موجود باشد؛ مانند آن‌چه که در تولیدمثل باکتری‌ها مشاهده می‌کنیم. یکی از کژفهمی‌ها، مربوط به مفهوم خود «کلونینگ» است که آن را معادل «عین‌سازی» قلمداد کرده‌اند و معتقدند که به‌وسیله‌ی این فناوری می‌توان نسخه‌ی المثنای یک فرد را با همان ویژگی‌های ظاهری و رفتاری او عیناً تولید کرد.

در ادامه، رابطه‌ی شبیه‌سازی و شخصیت بررسی می‌شود. می‌خواهیم بدانیم تا چه میزان هویت ژنتیکی فرد می‌تواند هویت شخصی او را مشخص سازد. بنابراین باید عوامل مؤثر در شخصیت انسان را بررسی کنیم.

عوامل مؤثر در شخصیت انسان

«ژنوتیپ» در اصطلاح به نهاد وراثتی یک موجود زنده یا سرشت ژنتیکی او گفته می‌شود. در حالی که «فنوتیپ» صفات قابل مشاهده و آشکار شده‌ی یک ژنوتیپ را دربرمی‌گیرد. به عبارت دیگر، فنوتیپ به تظاهر و آشکار شدن صفات ارثی گفته می‌شود که قابل مشاهده‌اند و ژن‌های نهفته و آشکار نشده در





انسان در شبیه‌سازی، مقتضیات حیات حیوانی را پدید می‌آورد، ولی روح و نفس ناطقه خداوند سبحان می‌دهد



است. «شخصیت» و در پی آن خصوصیات رفتاری، ژن نیست که بتوان با کپی‌برداری دقیقاً عین آن را ساخت. این که با کلون کردن سلول بدنی هیتلر، اینیشتین یا افراد سرشناس می‌توانیم مجدداً آن‌ها را زنده کنیم تا جاودانه شوند، پندار سادملوحانه‌ای بیش نیست. فرد کلون شده هرگز عین فرد اصلی نخواهد شد و عوامل محیطی برخلاف عوامل ژنتیکی، هرگز یکسان نیستند. ضمن این که سازوکارهای بسیار پیچیده‌ای در این شکل‌گیری دخیل هستند که دانش بشری هنوز بدان دست نیافته است.^{۱۲}

اگر کلون‌ها را از نظر ژنتیکی یکسان تلقی کنیم، آن‌ها مانند دوقلوهای یک تخمکی هستند که در دو زمان متفاوت متولد می‌شوند. بنابراین انتظار می‌رود، تفاوت محیطی و تغذیه‌ای بسیار بیشتر از شرایط دوقلوهای یکسان باشد.^{۱۸} یعنی هیچ‌گاه شباهت کامل نخواهد داشت. از این حیث است که گفته می‌شود: تمام آفرینش خدا ابتکاری است، این که اسمای حسناى خدا بدیع، شبدع، نوآور و مبتکر است، یعنی همان‌طور که در اصل خلقت توحید است، در سبک و سیاق آفرینش هم توحید است.^{۱۹}

ب. عوامل ژنتیکی

همانندی ژنوم فرد اصل و شبیه صد درصدی نیست و فرد شبیه‌سازی شده، حداقل از سه جهت با فرد اولیه متفاوت است: یکی از لحاظ سیتوپلاسم، دوم از لحاظ رحمی که در آن پرورش یافته است و سوم محیط زندگی پس از تولد. بین نیم تا یک درصد خصایص ژنتیکی از سیتوپلاسم نشئت می‌گیرند. در تکنیک SCNT، فقط ژنوم هسته‌ای متعلق به فرد اصل است و سایر ژنوم‌های ماورای سر و موزومی موجود در برخی از اندام‌های خارج سیتوپلاسمی، میتوکندری‌ها و کلروپلاست‌ها متعلق به فرد دهنده سلول تخمک هستند. نه فرد اصل. تحقیقات نیز نشان داده است، گوسفند دالی در ۳۷ ژن میتوکندری با ژن‌های مربوطه در سلول دهنده متفاوت است و دالی نمی‌تواند یک شبیه ژنتیکی کامل باشد.

عملکرد ژن‌ها تا اندازه‌ای معینی تصادفی و قابل تغییر است. مثلاً درباره‌ی گریه‌ای که در سال ۲۰۰۱ شبیه‌سازی شد، گفته می‌شود که ژن‌های موجود روی کروموزوم X که در تعیین رنگ موی گریه مؤثر بود، به صورت تصادفی غیرفعال

می‌شوند که در این صورت، گریه‌ای تولید شده با گریه‌ی اولیه از نظر ظاهری متفاوت می‌شود.^{۲۰} متفاوت بودن محیط در دو فرد کلون واصل نسبت به دوقلوهای یکسان پیچیده‌تر خواهد بود. بنابراین، دوقلوهای یکسان به این دلیل که در رحم واحد و در اغلب موارد بعد از تولد در شرایط محیطی یکسان زندگی می‌کنند، ممکن است بیش از کلون واصل به هم شباهت داشته باشند. دوقلوهای یکسان به احتمال بیشتری کپی‌ها یا کلون‌های ژنتیکی خالص هستند.

اشخاص کلون شده که با انتقال هسته شکل می‌گیرند، در DNA میتوکندریال خود تفاوت دارند. اگر این افراد در شرایط متفاوتی رشد کنند، در معرض تأثیرات اپی‌ژنتیک بسیار متفاوتی در رحم، قبل و بعد از تولد قرار خواهند گرفت. فنوتیپ‌های آن‌ها احتمالاً بسیار متفاوت است و رفتار و عقاید آن‌ها با فرد اصلی فرق دارد.^{۲۱} هم‌چنین ممکن است در آینده تفاوت‌های بیشتر در نتیجه نداشتن میتوکندری یکسان در کلون رخ می‌دهد.^{۲۲}

نتیجه‌گیری

هیچ‌کدام از عوامل یاد شده، چون محیط‌های زیستی، اجتماعی، فرهنگی، هویت ژنتیکی، به تنهایی نمی‌توانند هویت شخصیت افراد را مشخص سازند، بلکه هر کدام به نحو اقتضایی تأثیر گذار هستند طبق نظر بسیاری از دانشمندان، هویت شخصی از مجموعه عوامل ژنتیکی و دیگر عواملی که ما آن‌ها را تحت عنوان عوامل محیطی آورده‌ایم، شکل می‌گیرد. مرحوم دکتر کافلی، رئیس پژوهشگاه ژوئین هر این خصوص می‌گوید: «در شکل‌گیری شخصیت انسان مثلث ژن، تربیت و محیط تأثیر گذار است. اگر کلون‌ها در محیط متفاوت و با تربیت متفاوت باشند حتی افراد دارای ژن یکسان نیز کاملاً شبیه هم نخواهند شد.^{۲۳}

آفرینش روح در کلون‌ها

انسان دارای دو حیات است: حیات حیوانی و حیات انسانی. انسان در شبیه‌سازی، مقتضیات حیات حیوانی را پدید می‌آورد، ولی روح و نفس ناطقه را خداوند سبحان می‌دهد. کشاورز در ایجاد حیات دانه‌های گندم دخالت دارد، ولی خلق‌کننده نیست. او فراهم‌کننده‌ی شرایط حیات برای یک ماده است همان‌طور

انسان در شبیه‌سازی، مقتضیات حیات حیوانی را پدید می‌آورد، ولتی روح و نفس ناطقه را خداوند سبحان می‌دهد

وقتی افراد به این نکته واقف باشند که شبیه نیز یک انسان به مفهوم جامع کلمه به شمار می‌آید و دارای تمام حقوق و تکالیف انسانی است، در آن صورت بهتر می‌توان رابطه‌ی او را با دیگران از حیث حقوقی تحلیل کرد. در نتیجه می‌توان گفت که امکان ندارد کسی کاملاً مشابهی از افراد پدید آورد و هیچ‌کس نمی‌تواند خود را تکثیر یا شبیه‌سازی کند. زیرا تشخیص هر کس به تجارب روانی بستگی دارد که قابل انتقال نیست. اگر فرض کنیم که شخصی دست به شبیه‌سازی با استفاده از هسته‌ی سلول جسمی خود بزنند ممکن است از نظر بیولوژیکی تلموز ۹۷ درصد به او نزدیک و با او مشابه باشد، اما شاید کمتر از یک درصد از نظر هویتی و تجربه‌های زیستی با او یکسان باشد.^{۱۷} سخن کوتاه، امکان انتقال تجارب منحصر به فرد که تعیین‌کننده‌ترین عنصر هویت شخصی است، از طریق شبیه‌سازی انسانی ممکن نیست و شبیه‌سازی، کسی را از فرد به وجود نمی‌آورد.

که در آیات ۶۳ و ۶۴ سوره‌ی واقعه خداوند می‌فرماید: «فرایتم ما تحرثون أنتم تزرعونه ام نحن الزارعون»: آیا هیچ دربارهی آن چه کشت می‌کنید، اندیشیده‌اید؟ آیا شما آن را می‌رویانید یا ما می‌رویانیم؟

شهید بزرگوار استاد مطهری به این پرسش‌ها چنین پاسخ می‌دهد: «بشر اگر روزی چنین توفیقی حاصل کند، از نظر علمی کار مهمی کرده است. ولی از نظر دخالت در ایجاد حیات، همان مقدار دخالت دارد که پدر و مادر از طریق تماس در ایجاد حیات فرزند دخالت دارند و یا کشاورز در ایجاد دانه. در نتیجه، فقط خداوند است که قدرت آفرینش روح را دارد و هرگز انسان‌ها قادر به خلق عنصر روح نیستند؛ گرچه توانایی ایجاد کلون انسان را داشته باشند (نشریه‌ی پرسمان، ۱۳۸۶).

انسان‌های حاصل از شبیه‌سازی ممکن است از نظر ویژگی‌های جسمی با انسان‌دهنده‌ی هسته، مشابه باشند، ولی کلون، نسخه‌ی اصلی و عین او نیست. هر انسان روح منحصر به فرد خود را دارد که خداوند به او عطا کرده است.^{۲۴} پاراسلسوس^{۲۵} پزشک و شیمی‌دان سوئسی بر این باور است که برای آفریدن چیزهای طبیعی در دنیا دو راه وجود دارد: روش اول به وسیله‌ی طبیعت است، یعنی منشأ از پیش تعیین شده‌ای که خواص تمام موجودات زنده و غیرزنده را در جهان تعیین می‌کند، و روش دوم از طریق دستکاری و دخالت انسان در این منشأ است. یعنی هنر، دخالت در قوانین این دنیا عاری از اشکال است، زیرا انسان تنها ترکیب این جهان طبیعی را دستکاری می‌کند، نه اصول بنیادی منشأ آن را.^{۲۶}

داشتن شبیه، پایان مرگ و میر نیست

تصور غلط دیگر که باید اصلاح شود، این است که داشتن شبیه، پایان مرگ و میر نیست. می‌توان این شیوه از تولیدمثل را استمرار دقیق و ظریف حیات والد محسوب داشت. از لحاظ منطقی نیز، بچه‌های واقعی باعث کاهش آثار مرگ حقیقی شوند. شبیه داشتن به مفهوم لغوی ممکن است آرمان برخی از انسان‌ها باشد، اما واقعیت این است که آن را باید در ناکجاآباد جست. نتیجه‌ی حقوقی این تحلیل نیز علاوه بر جدایی شخصیت اصل و شبیه، آثاری است که از لحاظ دیون وارث در رابطه‌ی بین شبیه و اصل وجود دارد.

پی‌نوشت

۱. صدوق، بی‌تا، ج ۱: ۳۱۷.
۲. کلیتی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۳۱۳.

3. www.sanei.org
4. www.makaremshirazi.org

۵. معرفت، بی‌تا

۶. جواهری، بی‌تا: ۱۹.
۷. طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۲۶ و ۲۷.
۸. صادقی، ۱۳۸۴: ۸۷.
۹. معین، ۱۳۶۳، ج ۲.

10. www.alhakeem.com
11. www.MONTAZERI.WS/FARSI/PEZ/HTML/۰۰۱۲.HTM

۱۲. طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۱۵: ۱۹.

۱۳. صادقی، ۱۳۸۴: ۸۶.

۱۴. همان، ص ۸۸.

۱۵. جوادی آملی، خطبه‌ی نماز جمععه‌ی قم، ۱۳۸۷/۱/۱۵.

۱۶. محمدی، ۱۳۸۷: ۲۸۷.

۱۷. همان، ص ۲۸۸.

۱۸. باطنی، هاشمی و شریعی، ۱۳۸۵: ۲۰.

۱۹. جوادی آملی، نماز جمععه‌ی قم، ۱۳۸۷/۲/۱۵.

۲۰. محمدی، ۱۳۸۷: ۲۸۷ و ۲۸۴.

۲۱. ترانسون و گاردنر، ۱۳۸۳: ۱۲۷.

۲۲. باطنی، هاشمی و شریعی، ۱۳۸۵: ۲۰.

۲۳. کاظمی، بی‌تا.

۲۴. صارمی و دلگشایی، ۱۳۸۳: ۴۱.

25. Paracelsus.

۳۶. همان، ص ۴۹.